



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



24 نوامبر 2025

داکتر سید عبدالله کاظم

نگاهی مختصر به نحوه کار دوره هفتم شورای ملی و عواقب بعدی آن (قسمت سوم)

در مبحث گذشته ضمن تذکر دست آورد های کاری مهم دوره هفتم شورا در فقرات نهم و دهم مطالبی ذکر گردید که به دلیل اهمیت تاریخی آن در این قسمت به شرح مزید موضوعات مذکور پرداخته میشود:

آیا تصویب "لغو خط دیورند" از صلاحیت شورای ملی بود؟

در فقره شماره دهم دست آوردهای دوره هفتم شورای ملی در مبحث قبلی با اختصار تذکر رفت که: موضوع روابط با پاکستان یکی از داغ ترین مسائلی بود که جار و جنجال زیاد در شورا برپا کرد و شورای ملی به تأسی از قیام مردمان پشتون و حق تعیین سرنوشت به آنها پالیسی حکومت را تأیید کرد و به اثر تقاضای پشتونهای انطرف خط دیورند حمایت خود را از آزادی خواهی آنها اعلام نمود و به همین مناسبت روز نهم سنبله را به نام روز پشتونستان به حیث یک روز رخصتی عمومی تصویب کرد. این شورا حتی فراتر از صلاحیت قانونی خود لغو معاهده دیورند را اعلام نمود.

در اینجا برای وضاحت بیشتر در موضوع فوق و بخصوص در ارتباط به تصویب "لغو معاهده دیورند" که فراتر از صلاحیت قانونی شورا بر طبق قانون اساسی 1310 بود، شرح مختصر ذیل تقدیم میگردد:

روز 13 سرطان 1326 (3 جون 1947) روز تاریخی است که نیم قاره هند به دو کشور هند و پاکستان تقسیم گردید و بجای هند برتانوی کشور جدید پاکستان در همسایگی افغانستان تشکیل شد. عبدالرؤف بینوا طی یک مقاله تحت عنوان "نظری به پشتونستان" که در همان سالهای پرهیجان یعنی 1329 (1950م) در سالنامه کابل به نشر رسید، در مورد ماهیت ریفرا ندیم مذکور چنین نوشت: «وقتی انگلیس ها مجبور شدند از هندوستان بیرون شوند، سیاست تقسیم هند را بین مسلمان و هندو بمیان آوردند. درین گیر و دار نیز پشتونهای پشتونستان آرام نه نشستند. جناب فقیرایی از قبایل آزاد صدای آزادی پشتونستان را بلند کرد، خان عبدالغفار خان با پارتی خدائی خدمتگار از حصه پشتونستانی که جبراً زیر سلطه انگلیس کشیده شده بود، دعوی حقوق پشتونها را نمود و خان عبدالصمد خان از بلوچستان پرچم آزادی بلند کرد. این صدای سه نفر نبود، بلکه صدای هفت ملیون پشتون بود، مگر چون انگلیسها آزادی پشتونها را برای اهداف امپریالیستی خود مضر پنداشتند، بصدای حقه شان گوش ندادند و هندوستان و پاکستان را بوجود آوردند و برای اینکه ملل دیگر نیز به صدای مردم پشتونستان گوش ندهند، در پشتونستان یک ریفرا ندیم (رأی گیری) جعلی و نمایشی و اجباری را بعمل آوردند، ریفرا ندیمی که بریک صندوق رأی گیری قرآن مجید و بر صندوق دیگر رأی گیری کتاب مذهبی هندوها را گذاشتند. هرکس که رأی میداد، برایش گفته میشد: کدام را قبول میکنی؟ چون پشتونها مسلمان هستند، ضروری رأی خود را بقرآن میدادند با اینهم فیصد چهل و نه نفر پشتون هیچ رأی ندادند. باین بهانه نمایشی پشتونها آن حصه را در پاکستان کشیدند. ازین پشتونها هیچ پرسیده نشد که آیا آزادی هم میخواهید؟ اگر پرسیده می شد، طبعاً پشتونها صد فیصد طرفدار آزادی می شدند و پشتونستان آزاد را می خواستند». (بینوا، عبدالرؤف: "نظری به پشتونستان"، سالنامه کابل، 1329، صفحه 329 - 330)

دولت افغانستان بعد از انجام ریفرا ندیم ملاحظات خود را با پاکستان وقتی مطرح کرد که کارازکار گذشته بود. اولین عکس العمل حکومت افغانستان زمانی بروز کرد که موضوع عضویت پاکستان در ملل متحد طی اجلاس

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

مجمع عمومی آن مؤسسه در نیویارک بتاريخ 30 سپتمبر 1947 مطرح شد، آنوقت افغانستان یگانه کشوری بود که نماینده دائمی آن عبدالحسین خان عزیز در موضوع رأی منفی داد. اگرچه نماینده دائمی افغانستان در آن مؤسسه متعاقباً زیر فشارهای وارده از هرطرف رأی منفی را برگرفت، اما مخالفت بین افغانستان و پاکستان از همانجا آغاز گردید.

بتاریخ 15 اگست 1947 با آنکه دولت پاکستان رسماً تأسیس شد، اما انگلیس تا سال بعد اداره مستقیم سرحدات آزاد و بلوچستان را در اختیار داشت. متعاقباً انگلیس در سال 1950 پاکستان را وارث خویش در آنطرف دیورند اعلام نمود و مقارن همین وقت ایالات متحده امریکا خط دیورند را به حیث سرحد بین المللی بین افغانستان و پاکستان شناخت که در اینصورت قبایل آزاد و بلوچستان شامل خاک پاکستان محسوب شد.

عکس العمل پشتونهای ماورای خط دیورند در برابر نتایج رفراندوم:

در همین موقع مردم پشتونستان آرام نگرفتند و به احتجاج پرداختند و در 21 جون 1947 به تعقیب اعلامیه انگلیس مبنی بر تخلیه هند، جرگه عظیمی را در "بنو" برپا نمودند که در آن نمایندگان تمام پشتونستان اعم از آزاد، محکوم و بلوچستان به شمول احزاب خدائی خدمتگاران، جمعیت العلمای سرحد و زلمی پشتون شرکت کردند و فیصله نمودند که: "پشتونها نه هند میخواهند و نه پاکستان، بلکه میخواهند درین کشور یک حکومت آزاد پشتون براساس جمهوریت اسلامی تشکیل شود". برای تحقق همین هدف تعداد کثیر جوانان "زلمی پشتون" (بیش از 20 هزار نفر) حاضر شدند جانهای خود را فدا کنند، لاکن خان عبدالغفار خان به تاسی از سیاست عدم خشونت گاندی مانع آنان شد.

بینوا در مقاله فوق الذکر خود می نویسد: «در اثر این رفراندوم اجباری بود که تمام پشتونها چه در افغانستان و چه در قبایل آزاد و چه آنطرف خط فرضی دیورند عدم رضایت خود را اظهار داشتند و عزم کردند بهر قیمتی که شود پشتونستان آزاد را تشکیل نمایند. در مقابل این عزم پشتونها، حکومت پاکستان اقدامات بسیار ظالمانه نمود و اکثر پشتونهای آنطرف خط دیورند را بدون محاکمه زندانی کردند، مثلاً تنها از حزب خدائی خدمتگار دوازده هزار نفر را در زندان نگهداشتند. همچنین از حزب وطن بلوچستان هزارها نفر را از حقوق مدنی محروم و در زندان انداخته شدند، بر خانه های قبایل آزاد بمباری کردند و مردم بیگناه را کشتند.

در برابر این اقدام ظالمانه حکومت پاکستان پشتونهای قبایل آزاد به تدویر جرگه ها و مشوره های ملی پرداختند. برای بار اول بتاريخ 30 حمل 1328 (19 اپریل 1949) بیرق سرخ پشتونستان در تیرا در جای حاجی عبدالحکیم خان غازی افراشته شد، در وقت بلند شدن بیرق هزاران نفر از علماء، روحانیون و بزرگان پشتونهای تیرا حاضر بودند و باین بیرق سلام کردند و بصدا های بلند گفتند: "پاینده باد پشتونستان آزاد و نابود باد دشمنان آزادی پشتونها!". سپس در تمام قبایل آزاد بیرق های پشتونستان بلند گردید، حتی در داخل پاکستان در کوئته بلوچستان نیز بیرق سرخ پشتونستان از طرف پشتونهای آنجا برافراشته شد و دعوای حقوق حق خود را نمودند، مگر از طرف حکومت پاکستان آن پشتونهای آزادیخواه دستگیر گردیده بزندان سپرده شدند».

بینوا می افزاید: «بتاریخ 9 سنبله 1328 (اول سپتمبر 1949) اولین جرگه بزرگ تمام قبایل آزاد فیصله و تصویب کردند که: 1 - تمام قبایل آزاد عهد و سوگند میکنند که بین خود اتفاق کامل داشته باشند و تمام کارهای قومی را بمشوره یکدیگر اجراء کنند؛ 2 - قبایل آزاد خود را مکلف میدانند با پشتونهای هر حصه پشتونستان ارتباط خود را قائم کنند و درخیر و شر با آنها خود را شریک دانند؛ 3 - تمام قبایل آزاد فرض خود میدانند که آزادی کامل پشتونستان را حاصل کنند و در مقابل تجاوز خارجی باتفاق کامل ایستاده شوند و آنرا دفع نمایند؛ 4 - باید یک جرگه بزرگتر دیگر از تمام باشندگان پشتونستان در روزهای نزدیک منعقد شود و در آن تمام مسائل مربوط به پشتونستان را حل نمایند».

بینوا علاوه میکند که: بتاريخ 28 میزان 1328 اولین اسامبله ملی پشتونستان و شورای محلی تیرا بنام "دپشتونستان د تیرا خانگه" تشکیل گردید و اولین اعلامیه خود را بنام تمام پشتونها و بنام ملت و حکومت افغانستان و بنام ملل اسلامی و بنام مؤسسه ملل متحد نشر کردند. بعد از آن قوم شینوار و دیگر اقوام خیبر نیز شورای محلی خود را ساختند و بعد از تعیین وکلاء الحاق خود را به "تیرا خانگه" اعلان نمودند. همچنان اقوام

سالارزی جرگه نمودند و شورای محلی "باجور خانگه" را تأسیس کردند. از 21 تا 25 جدی 1328 (11 تا 15 جنوری 1950) در وزیرستان اولین جرگه عمومی و مهم قبایل مومند، صافی آزاد، چارسنگ، شموزائی، افریدی، اورکزائی، شینوار، لوارگی، شلمان، وزیر، مسعود (محسود) در "چهار سده" دائر گردید و آنها معاهده مهم اتحاد ملی و تشکیل پشتونستان را اعلام نمودند. در این جلسه میرزا علی خان مشهور به "فقیر ایپی" را به حیث رئیس حکومت محلی "د پشتونستان د وزیرستان خانگه" به اتفاق آراء انتخاب کردند و موصوف مشی خود را طی سه ماده چنین بیان کرد:

«سر از روز 15 جنوری 1950 (25 جدی 1328) تمام امور اداری، سیاسی، تعلیمی و لشکری حکومت محلی وزیرستان مطابق پروگرام ذیل اجراء میشود:

1 - از حکومت پاکستان مطالبه میکنیم که تمامیت و استقلال پشتونستان خاک هفت ملیون افغان را از راه صلاح و امن اعتراف کند و از امروز تمام مامورین و ایجنت های ملکی و لشکری خود را امر کند به صورت فوری از تمام نقاط پشتونستان بیرون روند. اگر چنین نکنند، مسئولیت عواقب وخیمی که در اثر این لجاجت حکومت پاکستان واقع شدنی است، هم نزد خدا و هم نزد مؤسسه ملل متحد بدوش حکومت پاکستان خواهد بود.

2 - چون وسایل نشراتی ما ناقص است، لذا از دولت برادر خود افغانستان که همواره با پشتونستان همدردی صمیمی دارند، خواهش داریم اطلاعات و پروگرام ما را مربوط به پشتونستان درجراید و رادیوی افغانستان نشر کنند. [به این اساس پروگرام "دا پشتونستان زمونر" از طریق رادیو کابل (بعداً رادیو افغانستان) به نشرات آغاز کرد. بعضی ها فکر میکنند که شعار "دا پشتونستان زمونر" ادعای افغانستان را معنی میدهد، درحالیکه چنین نبود بلکه آواز و ندای مردم پشتونستان را بیان میکرد - کاظم]

3 - از مؤسسه ملل متحد و مراکز عدالت پسند دنیا خواهش میکنیم پشتونستان را بحیث یک مملکت آزاد و یک عضو حساس خود بشناسد و حکومت پاکستان را مجبور سازند تا به تمامیت و آزادی خاک پشتونستان اعتراف کند.» (برای شرح مزید در این باره دیده شود: مقاله عبدالرؤف بینوا تحت عنوان "نظری به پشتونستان"، منتشره سالنامه کابل سال 1329، صفحه 326 تا 332)

در همین آوان بر علاوه مشکلات فوق الذکر حادثه مهمی دیگر نیز رخ داد که روابط افغانستان و پاکستان را بیشتر متشنج ساخت، آنهم بمبارد طیاره های نظامی پاکستان برقریه مغلکی در ولایت جنوبی (پکتیا) که بروز 22 جوزای 1328 (12 جون 1949) عمداً یا سهواً صورت گرفت و در اثر آن به تعداد بیش از 23 نفر از مردم آن قریه کشته شدند و قسمت های از آن ویران گردید. این بمبارد به ادامه بمباردهایی بود که چند روز قبل حکومت پاکستان بر مناطق وزیرستان در آنسوی دیورند اجراء کرده بود.

شورای ملی دوره هفتم و بطلان "خط دیورند":

به استقبال از اعلامیه سه فقره ای میرزا علی خان مشهور به "فقیر ایپی" رئیس حکومت محلی "د پشتونستان د وزیرستان خانگه" از یکطرف و متعاقب بمبارد منطقه "مغلکی" در پکتیا که بوسیله طیارات پاکستانی صورت گرفت از طرف دیگر، در اوایل سرطان 1328 جرگه بزرگی با شرکت تعدادی از نمایندگان دولت، مردم پشتونستان و مردم افغانستان در شهر جلال آباد دائر شد و ضمن راه اندازی مظاهرات و شعارهای ضد پاکستان، آنها اعلام کردند که «خط مرده دیورند» را قبول ندارند.

متعاقباً به تأسی از اعلامیه جرگه فوق، شورای ملی (دوره هفتم) مۇهرتائید بر این ادعا گذاشت و طی یک مصوبه مورخ 10 سرطان 1328 (مطابق 30 جون 1949) معاهده دیورند را فاقد اعتبار دانست. این همان فیصله است که بعدها در اذهان عامه و حتی بسیاری از سیاسیون و دولتمردان افغان تا امروز در ارتباط برسمیت نشناختن خط دیورند مورد استناد قرار میگیرد، درحالیکه این داعیه درلویه جرگه 1334 که مشخص بر موضوع پشتونستان دائر گردیده بود، مطرح نشد و شامل تصویب و فیصله نامه آن نگردید و فقط در فیصله نامه شورای ملی مورخ 23 میزان 1334 ضمناً تذکر یافت.

در اینجا باید خاطر نشان کرد که مصوبه شورای ملی (دوره هفتم) در زمینه بطلان کلیه معاهدات قبلی بین افغانستان و دولت هند برتانوی به شمول معاهده دیورند و تائید اعلامیه جرگه جلال آباد بطورکل بر مبنای دلائل ذیل استوار بود: **1-** تحمیلی بودن معاهدات گذشته، **2-** فقدان شرایط لازم حقوقی برای جانشین پنداشتن

پاکستان بجای هند برتانوی به اساس "حقوق جانشینی"، 3 - عدم موجودیت دولتی بنام پاکستان در زمان امضای معاهدات قبلی.

در این مورد بعضی ها از جمله محمد اکرام اندیشمند - مؤلف کتاب "ما و پاکستان" به این نظر اند که تصویب همچو موضوع از طرف شورای ملی خارج از صلاحیت آن شورا بوده و در هیچ یک از 37 ماده (از ماده 40 تا ماده 66) مربوط به وظایف و صلاحیت های شورای ملی مندرج قانون اساسی سال 1310 که تا سال 1343 نافذ بود، الغای معاهدات دولت های گذشته افغانستان با دول و ممالک خارج تذکار نیافته است، چنانکه اندیشمند می نویسد: «در ماده 46 اصول اساسی دولت علیه افغانستان (قانون اساسی 1310) وظیفه و صلاحیت شورای ملی در مورد عقد معاهدات اینگونه تبیین میشود: "عقد مقاولات و معاهدات، اعطای امتیازات (انحصار) اعم از تجارتی و صنعتی و فلاحتی و غیره خواه از طرف داخله باشد یا خارجه بتصویب شورای ملی میرسد"». از این گفته برمی آید که در مورد صلاحیت الغای همچو معاهدات به وسیله شورای ملی در قانون اساسی آنوقت هیچ تذکری داده نشده است، لذا الغای معاهدات قبلی حکومت افغانستان با طرف های دیگر از صلاحیت شورای ملی پنداشته نشده و تصویب آن شورا با ماده فوق الذکر قانون اساسی نافذ آنوقت کشور در مغایرت قرار داشته و واجب التعمیل پنداشته نمیشود. (برای شرح مزید دیده شود: اندیشمند، محمد اکرام: "ما و پاکستان"، چاپ دوم، کابل، 2009، صفحه 172 تا 175)

با وجود همچو مصوبه و اعلام الغای معاهده دیورند از طرف شورای ملی، باز هم دولت افغانستان نخواست تا موضوع را به حیث یک ادعای ارضی و به عبارت دیگر بطلان خط دیورند پیش ببرد، بلکه دولت در مطرح ساختن حق تعیین سرنوشت و خود مختاری قبایل آزاد یعنی آنهاییکه بین خط دیورند و "سرحد اداری" مسکون بودند، تلاش میکرد. اما حکومت پاکستان از اوضاع استفاده کرد و به سرعت جرگه بزرگ "چهار سده" را در هم کوبید و رهبران سیاسی را به زندان افکند و تمام فشار خود را برای حذف هویت پشتونستان محکوم یعنی "شرق سرحد اداری" وارد نمود و پشتونهای وفادار به پاکستان را به مقامهای بالا تا ریاست جمهوری ارتقا داد، چنانچه مارشال ایوب و غلام اسحق خان را تا ریاست جمهوری، حمیدگل و نصیرالله بابر را تا ریاست آی اس آی، گوهر ایوب، آصف احمد علی و سرتاج عزیز را تا وزارت خارجه و تعداد دیگر را به مقام های بلند نظامی رسانید و نیز از شجاعت ذاتی پشتونها در جنگ علیه هند استفاده فراوان کرد، طوریکه بخشی از کشمیر را که اکنون در تصرف پاکستان است، با قوای داوطلب پشتون ضمیمه خاک خود ساخت.

با وقوع رویدادهای فوق معضله پشتونستان در دوره صدارت شاه محمود خان بسیار حاد شد، بخصوص بعد از وفات محمد علی جناح قاید اعظم پاکستان در ماه حوت 1328 (مارچ 1949 م) روابط بین دو کشور روبه تیره گی گذاشت، آنهم به دلیل اینکه برخلاف تفاهم قبلی که جناح با نماینده خاص حکومت افغانستان نجیب الله خان توروپانا در کراچی بعمل آورده و وعده داده بود که موضوع پشتونستان را از طریق پارلمان آن کشور حل خواهد کرد، حکومت پاکستان اعلان کرد که قبایل آزاد ماورای خط دیورند جزء لاینفک پاکستان میباشد. این اعلان که نقض صریح و عده جناح بود، باعث شد تا مناسبات بین افغانستان و پاکستان بار دیگر بهم بخورد و افغانستان سفیر خود مارشال شاه ولیخان را برسم اعتراض از کراچی پس بخواهد.

بیانیه تاریخی محمد داؤد صدراعظم و تصاویر لویه جرگه 1334:

در این باره یکی از اسناد مهم همانا متن سخنرانی مبسوط محمد داؤد در لویه جرگه 1334 ش (1955) و تأیید پیشنهاد های حکومت از طرف لویه جرگه است که سر آغاز یک دوره مهم تاریخی محسوب میشود. درباره لویه جرگه سال 1334 باید گفت که این لویه جرگه با در نظر داشت تیره شدن روابط بین افغانستان و پاکستان بنابر پیشنهاد محمد داؤد صدراعظم و موافقت پادشاه کشور علیحضرت محمد ظاهر شاه بتاريخ 22 عقرب در تالار قصر "ستور" بریاست محمدگل مهمند وکیل ولایت مشرقی دائر شد و محمد داؤد صدراعظم بیانات مفصل خود را بحضور مجلس قرائت کرد که در پایان گفتار خود چنینی تصریح کرد: «با توضیحات فوق بهتر است خدمت وکلای محترم ملت با کمال وضاحت روشن سازم که درین موقع مهم و تاریخی دو نقطه بارز برای فیصله نزد حکومت و ملت افغانستان عرض وجود میکند:

1 - آیا حکومت افغانستان صدای تظلم و ندای مصرانه مردم پشتونستان را مربوط حمایت حقوق مسلم آن برادران خون شریک خود لیبیک بگوید و حقوق مشروع و مسلم شانرا حمایه کند، یا نه؟

2 - چون موازنه قوا با کمک تسلیحاتی که با پاکستان کرده شده و میشود، در این منطقه کاملاً بهم خورده، آیا حکومت افغانستان برای بقا و محافظه شرافت ملی خود بغرض تقویه دفاعی مملکت اقدام نماید، یا خیر؟
در خاتمه باید گفت: تصمیماتی که وکلای محترم لویه جرگه درین موقع تاریخی گرفتند، تأثیر مهم و بزرگی در حالت و سرنوشت آینده ملت دارد و من از خدای بزرگ و توانای خود تمنا دارم تصمیم نمایندگان ملت آن چیزی باشد که در آن خیر و سعادت، شرافت و ناموس ملت افغان تأمین و محافظه شده باشد».

اعضای لویه جرگه بعد از شنیدن بیانات محمد داود صدراعظم به مذاکرات و اظهار نظر پرداختند و از روز اول انعقاد مجلس تا روز سوم که 24 عقرب است، سه روز متوالی با حضور 271 نفر وکلاء ملت در اطراف پیشنهاد حکومت بحث و مذاقه کردند. بتاريخ 26 عقرب کمسیون از طرف لویه جرگه تعیین گردید تا فیصله آخری لویه جرگه را تسوید و به مجلس عمومی حاضر دارند و به تاریخ 27 عقرب مجلس لویه جرگه مکرراً طبق معمول تشکیل جلسه داد و به اتفاق آراء باین نتیجه رسید:

«1 - حمایت حق تعیین سرنوشت مردم پشتونستان که برادران همکیش و همزاد ما هستند، بنا بر درخواست عامه توده مردم پشتونستان وظیفه ملت و حکومت افغانستان است بناءً علیه این لویه جرگه حکومت توصیه میکند که مطابق ایجابات اوامر شرعی و اشتراک تاریخ و عرق و کلتور از درخواست عامه مردم پشتونستان برای حق تعیین سرنوشت آنها حمایت نمایند.

2 - نظر به سیاست موجوده حکومت پاکستان مخصوصاً بهم خوردن توازن قوا درین منطقه که در اثر گرفتن کهمک [کمک] های نظامی از ممالک بزرگ از طرف پاکستان بوجود آمده، اضرار اراده سوء و اقدامات خطرناک پاکستان به افغانستان نیز متوجه گردیده است، پس در چنین موقع پرخطر وظیفه حکومت است مملکت را نظر بفریضه حفاظت استقلال و تمامیت ملی تقویه کند. بناءً علیه لویه جرگه بملاحظه ایجابات و ضرورت وقت حکومت را توصیه میکند تا بهر گونه طرق و وسایل که ممکن باشد و بهر قسمیکه بصورت شرافتمندانه که میسر شود، مملکت را بغرض دفاع مجهز و تقویه نماید.

3 - لویه جرگه به نمایندگی از ملت افغانستان اعلام میدارد که بهیچ وجه صورت علاقه های پشتونستان را برخلاف میل و آرزوی خود ملت پشتونستان جزء خاک پاکستان ندانسته و درین مورد تصویب نمبر 72 تاریخی 23 میزان 1334 مجلسین شورای ملی و اعیان را تأیید و تصدیق مینماید.

در خاتمه لویه جرگه به پشتیبانی هر سه مقصد فوق آمدگی ملت را بحکومت وعده و اطمینان میدهد. و من الله التوفیق و علیه التکلان». (متن بیانیه محمد داود با مصوبه آن لویه جرگه درجریده "زیرمه - ثروت" نشریه وزارت مالیه، سال دوم، شماره 24، پنجشنبه اول قوس 1334 ش مطابق 24 نوامبر 1955 به نشر رسیده است) به ملاحظه محتوای فقره شماره 3 "تصویب و فیصله لویه جرگه" که در فوق ذکر شد، موضوع به یک تصویب دیگر تحت شماره 72 تاریخی 23 میزان 1334 مجلسین شورای ملی و اعیان رویت داده شده است که اجمال جلسه فوق العاده مجلسین شورای ملی و اعیان در مورد مسئله پشتونستان از اینقرار میباشد:

«1 - اقداماتی که حکومت افغانستان تا امروز در مسئله پشتونستان به عمل آورده کاملاً موافق بروی تصویری است که قبلاً به تاریخ 10 سرطان 1328 از طرف شورای ملی افغانستان اعلان گردیده و به آرزو و آمال ملت توافق کامل دارد.

2 - امروز حکومت پاکستان خلاف عدالت بشری و مغایر منشور ملل متحد به حقوق میلیون ها مردم پشتونستان دست تخطی دراز کرده و بدون مراجعت به آرای عامه سرنوشت اهالی پشتونستان را جبراً با یونت پاکستان غربی مربوط میگرداند، تجاوز صریح دانسته، تقبیح میکند و یک بار دیگر اعلام میکند که ملت افغانستان به هیچ صورت خاک پشتونستان را بدون رأی آزاد خود اهالی آنجا جزء خاک پاکستان نشناخته و نمی شناسد.

3 - ارتباط ملت افغانستان با مردم پشتونستان از نقطه نظر دین، تاریخ، کلتور، نژاد و یک رشته قوی و ناگسستنی بوده و هیچ قدرتی به یاری خداوند این میلان طبیعی و علایق لاینقطع را از بین برده نمی تواند، اینست که پشتیبانی خود را از حقوق حقه آنها یکبار دیگر تأیید می کند.

لهذا مجلسین شورای ملی و اعیان به نمایندگی از تمنیات عموم طبقات ملت افغانستان سیاست حکومت شاغلی سردار محمد داؤد صدراعظم افغانستان را در مورد پشتونستان با اعتماد کامل تأیید و پشتیبانی خود را نسبت به هر اقدام که برای رسیدن به این هدف ملی از طرف حکومت مقتضی دیده شود، اظهار میدارند». (برای شرح مزید دیده شود: کتاب "آئینه شورا"، تألیف محمد محسن صابر هروی، کابل، 1368، جلد اول، صفحه 260 تا 262)

از و رای شرح فوق واضح میشود که لویه جرگه 1334 بر حق تعیین سرنوشت مردم پشتونستان که برادران همکیش و همزاد ما هستند، تأکید کرده و بنا بر آن لویه جرگه بحکومت توصیه نمود که مطابق ایجابات اوامر شرعی و اشتراک تاریخ و عرق و کلتور از درخواست عامه مردم پشتونستان برای حق تعیین سرنوشت آنها حمایت کند.

اینکه مصوبه مورخ 10 سرطان 1328 دوره هفتم شورای ملی در موضوع الغای خط دیورند فراتر از صلاحیت قانونی خود تصمیم گرفت، یک اشتباه مهم آن دوره محسوب میشود، زیرا تأیید معاهدات با خارج از صلاحیت شورا بوده و اما در مورد حق الغای آن در قانون اساسی 1310 که تا سال 1343 نافذ بود، هیچ تذکری نرفته است. به این اساس اتکای بعدی به آن موضوع طی اجلاس مشترک مجلسین شورای ملی و اعیان بتاريخ 23 میزان 1334 نیز تکرار این اشتباه شمرده میشود و این درحالیست که در مصوبه مورخ 27 عقرب لویه جرگه 1344 - به حیث یک مرجع عالی و ذیصلاح در مورد الغای خط دیورند و معاهده مربوطه هیچ تذکری داده نشده است که مؤید الغای خط دیورند بوده باشد.

(ادامه دارد)

آرشیف: مطالب دیگر محترم داکتر سید عبدالله کاظم